



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۳۵	تاریخ	۱۴۰۳/۰۸/۲۳
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	نوع اول: استدلال به کتاب				
عنوان ۵	استدلال به آیه نفر				
عنوان ۶	بیان جامع شهید صدر رحمته الله در آیه نفر				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل مباحث گذشته

گفتیم استاد شهید بعد از مباحثی که در خصوص آیه نفر مطرح کردند، یک بیان جامعی در دلالت آیه نفر بر حجیت خبر واحد دارند که حاصلش این است که باید تمام احتمالاتی که در حذر وجود دارد را بررسی کنیم تا ببینیم کدام یک از این احتمالات، منشأ حجیت خبر می شود و آیا آن احتمالی که منشأ حجیت خبر می شود، ثابت می شود یا خیر. بیان جامع استاد را به از ابتدا به صورت بند بند بیان می کنیم تا التفات به این مطالب به درستی حاصل شود و نگره داری آنها در ذهن، آسان تر شود.

بند اول: در حذری که در آیه آمده، سه فرض ابتدایی وجود دارد^۱:

فرض اول اینکه حذر، حذر از عقاب مولا باشد.

فرض دوم اینکه حذر، حذر از مخالفت با واقع و تقویت غرض مولا باشد.

فرض سوم اینکه آیه، مجمل باشد و احتمال دو گزینه اول وجود داشته باشد.

بند دوم: در گذشته بیان کردیم بنابر سه وجه، وجوب حذر اثبات می شود:

وجه اول اینکه «لعل» دلالت بر مطلوبیت مدخول خود دارد و مطلوبیت حذر نزد مولا، به معنای وجوب آن است.

۱. متن تقریرات شهید صدر رحمته الله چنین است: «إِنَّ التحذَر المذكور في الآية الشريفة تارة: يفرض ظهوره في التحذَر عن العقاب، وأخرى: يفرض ظهوره في التحذَر عن مخالفة الواقع وتقويت غرض المولى، وثالثة: يفرض إجماله وملائمته لكلا الأمرين». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۴ و ۴۸۵.

وجه دوم اینکه حذر، غایت انذار واجب قرار گرفته است و نمی شود غایت اختیاری یک واجب، واجب نباشد؛ زیرا اگر انذار به صورت مطلق واجب باشد (حتی اگر موجب علم نشود) و حذر واجب نباشد، موجب لغویت انذار می شود.

وجه سوم اینکه اهتمام مولا به غایت، نمی تواند از اهتمام مولا به ذی الغایة بیشتر باشد؛ لذا اگر ذی الغایة در حد وجوب برای مولا مهم بود، ذی الغایة نیز باید واجب باشد.

بنابر وجه اول و دوم، می توان تقریبی را بیان کرد که حجیت خبر را اثبات کند.

بند سوم: بنابر فرض اول (حذر، حذر از عقاب باشد) و وجه اول (وجوب حذر به دلیل اینکه «لعل» دلالت بر مطلوبیت حذر نزد خداوند دارد)، پنج احتمال ایجاد می شود که دو احتمال از آنها، می تواند منجر به اثبات حجیت خبر شود.^۱

بند چهارم: احتمالات پنج گانه فوق، بدین شرح اند:

احتمال اول: وجوب حذر، حکم مولوی وجوب حذر از عقاب باشد که به وسیله آن، حجیت انشاء شود؛ یعنی شارع با این حکم مولوی، ضمناً بخواهد حجیت انذار را نیز انشاء کند.

این احتمال، احتمال باطلی است. اشکال این احتمال این است که عقاب، فرع حجیت است؛ نه اینکه حجیت فرع عقاب باشد. نتیجه حجیت، ثبوت عقاب است. لذا نمی شود چیزی که هنوز حجت نشده است، عقاب آور باشد. بنابراین با این احتمال، نمی توان حجیت خبر واحد را اثبات کرد.^۲

احتمال دوم: حکم وجوب حذر، حکم مولوی باشد؛ اما حذر، حذر از علم باشد؛ یعنی حذر در جایی که عقاب معلوم است واجب باشد. به عبارت دیگر، علم به طوری قید برای حذر قرار بگیرد که داخل در طلب باشد و تحصیل علم نیز واجب باشد. مانند اینکه پزشک بگوید: «باید اناری بخوری که علم به شیرین بودن آن را داشته باشی»؛ در اینجا مریض باید اناری پیدا کند که می داند شیرین است و آن را بخورد. علم در اینجا تحت طلب است و این متفاوت است با اینکه بگوید: «اگر علم پیدا کردی که اناری شیرین است، واجب است که آن را بخوری» که تحصیل علم در این مورد لازم نیست. بنابراین احتمال، در اینجا نیز معنا چنین می شود که «حذر واجب است از عقاب معلوم» به این شکل که بر ملکف لازم باشد که حذری که بر آن عقاب مترتب می شود را تحصیل کند.

این احتمال نیز دارای اشکال است؛ زیرا معنای این احتمال، این است که متعلق المتعلق، مقدمه الوجود بشود؛ در حالی که متعلق المتعلق، همواره مقدمه الوجود است. مقدمه الوجود، به این معناست که یک واجبی وجود دارد و برای آن که بتوان آن را امتثال کرد، نیاز به مقدماتی باشد؛ مانند اینکه هنگامی که حج برای شخصی واجب شد، مقدمه وجود آن، طی مسافت است. اما مقدمه وجوب، آن است که اگر حاصل شود، فعل واجب می شود؛ مانند

۱. متن تقریرات شهید صدر رحمته الله چنین است: «فعلى الوجه الأول - وهو كون مطلوبية الحذر المستفادة من قوله: «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» ملازمة لوجوبه - نقول: إنه يوجد في بادئ النظر في قوله: «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» احتمالات خمسة». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۵.

۲. متن تقریرات شهید صدر رحمته الله چنین است: «الأول: أن يكون هذا حكماً مولوياً بالتحذّر عن العقاب يُنشئ به الحجية. وهذا غير معقول؛ إذ العقاب يكون في طول الحجية لا العكس، ولازم هذا الوجه هو العكس؛ إذ لولا ثبوت العقاب في المرتبة السابقة لا يعقل الأمر بالتحذّر عنه». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۵.

استطاعت نسبت به حج که اگر استطاعت حاصل شد، حج واجب می شود. در مثال «زکّ مالک»، امر به زکات رفته است. امر، همواره به فعلی تعلق می گیرد که متعلق نامیده می شود. اگر این فعل، متعلق دیگری داشت، به آن متعلق المتعلق گفته می شود که در این مثال، زکات، به مال متعلق شده است؛ مال در اینجا، مقدمه الوجوب است؛ یعنی اگر مالی وجود داشت، آن وقت زکات واجب می شود. در مثال «صلّ فی المسجد»، متعلق، «صلاة» است و «فی المسجد»، متعلق المتعلق است. «فی المسجد»، نمی تواند مقدمه وجود باشد و الا بر مکلف لازم بود که اول مسجد بسازد و در آن وارد شود تا بتواند نمازی که بر او واجب شده را بخواند. در آیه نیز هنگامی که حذر از عقاب معلوم واجب شود و علم، متعلق المتعلق قرار بگیرد، مقدمه الوجوب خواهد بود و نمی تواند مقدمه الوجوب باشد و معنایش این می شود که اگر به عقاب علم پیدا شد، حذر لازم است؛ نه اینکه ابتدا بر مکلف لازم باشد ابتدا به علم به عقاب را تحصیل کند تا بتواند از آن حذر کند.^۱

احتمال سوم: وجوب حذر، وجوب ارشادی باشد؛ ارشاد به تخلص از عقاب ناشی از ملاک حصول علم از قول منذر؛ یعنی بگوید چون انذار منذر از عقاب، علم آور است، پس حذر لازم است. به عبارت دیگر، وجوب حذر، ارشاد به یک عقابی است که ناشی از انذار موجب علم منذر از عقاب است. عقل حکم می کند که اگر یک انذار از عقاب علم آوری وجود داشت، باید از آن حذر کرد و «لَعَلَّهْمْ یَحْذَرُونَ»، ارشاد به همین حکم عقلی بر وجوب حذر است. اشکال این احتمال این است که وجوب انذار در «لَیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ»، مطلق است و اعم از این است که موجب علم شود یا موجب علم نشود؛ لذا این احتمال که وجوب حذر ناشی از انذار علم آور می داند، با اطلاق وجوب انذار سازگار نیست.^۲

احتمال چهارم: وجوب حذر، وجوب ارشادی باشد؛ اما نه ملاک اینکه انذار منذر، موجب علم به عقاب باشد. که در احتمال سوم بیان شد. بلکه به ملاک اینکه انذار منذر، حجت است. هنگامی که مولا چیزی را حجت قرار دهد، منجزیت آن عقلی خواهد بود. در اینجا نیز اگر انذار منذر، حجت باشد، منجزیت آن عقلی خواهد بود و امر مولا بر وجوب حذر، ارشاد به همان حکم عقل بر وجوب حذر از انذار حجت است. خلاصه اینکه چون انذار منذر، حجت است، شارع «لَعَلَّهْمْ یَحْذَرُونَ»، فرموده است.^۳

۱. متن تقریرات شهید صدر رحمته الله چنین است: «الثانی: أن یکون حکماً مولویاً متعلّقه خصوص التحذّر الذی یکون عقیباً للعلم بنحو یکون نفس تحصیل العلم مطلوباً؛ لکونه مقدّمة وجودیة للمطلوب. وهذا خلاف الظاهر؛ لأنّ متعلّق الطلب إذا تعلّق بمادّة فظاهر الکلام کون تلك المادّة مقدّمة وجوبیة لا داخلية في دائرة الطلب، فلو قال مثلاً: (صلّ فی المسجد) لم یکن بناء المسجد داخلًا فی دائرة الطلب». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۵.

۲. متن تقریرات شهید صدر رحمته الله چنین است: «الثالث: أن یکون إرشاداً للتخلّص من استحقاق العقاب الثابت بملاك حصول العلم من قول المنذر. وهذا أيضاً خلاف الظاهر؛ إذ یوجب التقیید بفرض حصول العلم مع أنّ الکلام مطلق». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۵.

۳. متن تقریرات شهید صدر رحمته الله چنین است: «الرابع: أن یکون إرشاداً إلى التخلّص من استحقاق العقاب الثابت بملاك حجّیة قول المنذر». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۵.

این احتمال دو قسم دارد که بر مبنای یکی از آنها، آیه می تواند بر حجیت خبر واحد دلالت کند. یک قسم این است که وجوب حذر، به صورت قضیه حقیقه باشد و قسم دیگر این است که وجوب حذر، به صورت قضیه خارجی باشد که در این صورت، حجیت خبر واحد را نتیجه می دهد که در جلسه آینده توضیح خواهیم داد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین